

تجارت خارجی ماوراءالنهر در دوره‌ی سامانیان

دکتر حبیب زمانی محبوب استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی پژوهشگاه علوم اسلامی امام
صادق (ع)
قنبرعلی رودگر استادیار تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
تهران

چکیده

تجارت از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی ماوراءالنهر بود و بازرگانان این منطقه از دیرباز با نواحی اطراف مناسبات تجاری داشتند. هر چند تجارت داخلی در ماوراءالنهر در قرون اولیه اسلامی رونق داشت؛ اما تجارت خارجی این سرزمین از سده‌ی چهارم هجری، هم‌زمان با تثبیت حکومت سامانیان بر این منطقه، رونق گرفت. مقاله‌ی حاضر بر این هدف است تا با روش توصیفی-تحلیلی مشخص سازد، سامانیان چگونه و با کمک چه عواملی به توسعه‌ی تجارت خارجی ماوراءالنهر پرداختند و عمده‌ی تجارت خارجی آنها با کدام سرزمین‌ها بود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، تجدید حیات اقتصادی و تجاری ماوراءالنهر در عصر سامانیان بازتابی از نظم و امنیت سیاسی و اجتماعی این دوره بود. امرای سامانی، علاوه بر ایجاد وحدت سیاسی، با سامان دادن به امور اقتصادی و ایجاد شبکه‌ی ارتباطی مناسب و همچنین کاهش عوارض و مالیات، موجب سرازیر شدن کاروان‌های تجاری به این سرزمین و رشد تجارت خارجی در ماوراءالنهر شدند. تجارت خارجی ماوراءالنهر در دوره‌ی سامانیان، به‌طور عمده، با بازرگانان سرزمین‌های چین و تبت، سرزمین ترکان، اروپای شرقی، خراسان و عراق انجام می‌شد.

واژه‌های کلیدی: تجارت، ماوراءالنهر، سامانیان، چین، خراسان، عراق، ترکان.

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۹

E-mail: Zamani1358@gmail.com

مقدمه

اداره ی ماوراءالنهر، از سده ی سوم هجری و پس از برافتادن طاهریان از امارت خراسان، به دست خاندان ایرانی تبار سامانی افتاد. حکومت سامانیان در ماوراءالنهر از سال ۲۷۹ هـ ق آغاز و تا سال ۳۸۹ هـ ق ادامه داشت، به طوری که در مجموع، نه امیر در قالب این حکومت بر ماوراءالنهر حکم راندند. محمد عوفی در «لباب الالباب»، امرای سامانی را چنین برشمرده است:

نه تن بودند ز آل سامان مشهور
گشته بامارت خراسان مشهور
اسماعیلی و احمدی و نصری
دو نوح و دو عبدالملک و دو منصور (۱)
(عوفی، ۱۹۰۶: ۲۲/۱)

در قرون اولیه ی اسلامی، با وجود رونق تجارت داخلی ماوراءالنهر، فرصت ایجاد ساختار استواری برای مناسبات تجاری خارجی ماوراءالنهر فراهم نشد؛ اما حکومت سامانیان، به منزله ی نخستین حکومت مستقل اسلامی در این منطقه، با تثبیت موقعیت سیاسی خویش و با تکیه بر موقعیت ممتاز تجاری منطقه، به عرصه‌ای جدید برای تکاپوهای اقتصادی و تجاری وارد شد و تمهیدات لازم را برای چنین فرایندی فراهم آورد. سؤال اصلی مقاله این است:

وضع تجارت خارجی منطقه ی ماوراءالنهر در دوره ی سامانیان چگونه بود؟ سؤالات فرعی مقاله عبارت‌اند از:

۱. سامانیان چه اقداماتی را برای توسعه ی تجارت خارجی منطقه ی ماوراءالنهر انجام دادند؟
 ۲. در دوره ی سامانیان عمده ی روابط تجاری ماوراءالنهر با کدام سرزمین‌ها بود؟
- در خصوص اوضاع اقتصادی و تجاری ماوراءالنهر تاکنون تحقیق مستقل و جامعی صورت نپذیرفته است. آنچه امروز در دست است، تعداد معدودی مقاله و بخش‌هایی محدود از برخی کتاب‌هاست که پاسخ‌گوی تمام ابهامات نیست؛ برای نمونه، باباجان غفورویچ غفورف فصلی از کتاب تاجیکان را به تاریخ دوران سامانیان اختصاص داده است. او، علاوه بر بیان اوضاع سیاسی ماوراءالنهر در دوره ی سامانیان، به مباحث اقتصادی این دوره نیز از جمله وضعیت تجارت و معاملات نقدی، کشاورزی، دامداری و انواع دیگر پیشه‌وری و صنایع اشاره می‌کند (۲). برتولد اشپولر، محقق آلمانی، در جلد دوم کتاب «تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی»، درباره ی تجارت، ضرب سکه و وضعیت راه‌ها و وسایل ارتباط تجاری در قرون نخستین اسلامی، بویژه دوره ی سامانیان، اطلاعات ارزشمندی را به دست داده است. اشپولر همچنین مقاله‌ای مهم با عنوان «تجارت سرزمین‌های شرقی در سده‌های

نخستین اسلامی» تدوین کرده که یعقوب آژند آن را ترجمه و در پنجمین شماره ی فصلنامه تاریخ اسلام (بهار ۱۳۸۰) به چاپ رسانده است. اشیپولر در این مقاله اطلاعات ارزشمندی از مسیرهای تجاری، محصولات تولیدی و صادراتی منطقه، تجارت خارجی و نقش سغدیان در تجارت ماوراءالنهر ارائه داده است. نگماتف، محقق روسی، در مقاله ی «سامانیان» که در کتاب *History of Civilisation of Central Asia* چاپ شده است، به اختصار به اوضاع اقتصادی و تجاری ماوراءالنهر، بویژه تجارت جاده ی ابریشم، پرداخته است؛ هرچند این مقاله بر منابع قوی و اصلی متکی نیست و نیز فاقد تحلیل است.

از نخستین مقالات فارسی در خصوص تجارت ماوراءالنهر، مقاله ی «اوضاع اقتصادی ماوراءالنهر و خراسان در زمان حکومت سامانیان» تدوین عزیزالله بیات است که در سومین شماره ی مجله بررسی های تاریخی (مرداد و شهریور ۱۳۵۳) به چاپ رسیده است. نویسنده در این مقاله، ضمن برشمردن اوضاع طبیعی ماوراءالنهر، به تولیدات و صادرات شهرهای مهم ماوراءالنهر اشاره کرده و درباره ی بازارهای شهرهای گوناگون ماوراءالنهر و راه های تجاری این منطقه مطالب مفیدی آورده است. محمدرضا ناجی در فصل پنجم رساله ی دکتری خود، با عنوان «فرهنگ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان» (۳)، فصلی را به وضع اقتصادی ماوراءالنهر در دوره ی سامانیان اختصاص داده و در آن مباحثی چون شهرها و مراکز تجاری، بازرگانی خارجی و تجارت برده را مورد بررسی قرار داده است. اسماعیل شفق نیز در مقاله ی «رشد مناسبات اقتصادی و اجتماعی در دوره ی سامانیان» که در پژوهشنامه ی علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی به چاپ رسیده، به اختصار از رونق اقتصادی ماوراءالنهر و تأثیر آن بر بهبود زندگی مردم سخن گفته و اشاره ای نیز به صنعت بافندگی و مسکوکات این دوره کرده است. در نوشتار حاضر، ابتدا تدابیر و اقدامات سامانیان را در رونق تجارت ماوراءالنهر بیان می کنیم و سپس به چگونگی مناسبات تجاری سامانیان با سرزمین های اطراف خواهیم پرداخت.

تدابیر و اقدامات سامانیان در رونق تجارت ماوراءالنهر

۱- ایجاد ثبات و اقتدار سیاسی - اجتماعی

رشد و رونق فعالیت های تجاری ماوراءالنهر در سده ی چهارم هجری با اقتدار سامانیان رابطه مستقیمی داشت، به طوری که تجدید حیات اقتصادی و تجاری دوره ی سامانیان بازتابی از نظم و اقتدار سیاسی و اجتماعی این حکومت بود (نظراً، ۱۳۸۷: ۱۸۴). اوج ثبات و اقتدار سامانیان در عهد

امیر نصر بن احمد سامانی (۳۰۱-۳۳۱ ق) رقم خورد (نظامی، ۱۳۸۷: ۱۲۹). پس از آنکه امیر اسماعیل سامانی توانست دولت سامانیان را به طور نسبی تثبیت کند، نصر بن احمد در دوران زمامداری خود رونق اقتصادی خاصی را در قلمرو سامانیان پدید آورد؛ چرا که سامانیان از یک سو، در مرزهای شمالی و شرقی با ترکان به صلحی پایدار دست یافته بودند و از سوی دیگر، وزیران لایق و مدبری همچون ابوعبدالله جیهانی و پسرش ابوعلی محمد جیهانی و نیز ابوالفضل محمد بلعمی در کنار پادشاهی قدرتمند و با تدبیر قرار گرفته بودند (نرشخی، ۱۳۶۳: ۱۲۹-۱۳۰؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۳۸-۳۳۹). کسایبی

مروزی از نظام اجتماعی و اقتصادی این دوره به نیکی یاد می‌کند و می‌گوید:

به وقت دولت سامانیان و بلعمیان
چنین نبود جهان، با نهاد و با سامان بود
(کسایبی مروزی، ۱۳۷۰: ۶۰)

ثبات و اقتدار سامانیان در دوره‌های بعد نیز تداوم یافت (باسورث، ۲۵۳۶، ۱۴۹). ابن حوقل که به هنگام امارت منصور بن نوح (۳۵۰-۳۶۶ ق) از ماوراءالنهر بازدید کرده، حکومت آل سامان را در سراسر مشرق جهان اسلام، استوارتر از بقیه می‌شمارد (ابن حوقل، ۱۳۶۶، ۱۹۸). سامانیان با قدرت خویش و رعایت قانون به امور اجتماعی و اقتصادی سرزمین‌های تحت فرمان خویش را نظم و نسق بخشیدند (بارتولد، ۱۳۶۶: ۱/۲۱۲؛ باسورث، ۲۵۳۶: ۲۵). ثبات و سامان سیاسی-اجتماعی دوران سامانیان چنان شهره گشت که شاعران دوره‌های بعد نیز در اشعارشان از آن به نیکی یاد می‌کردند؛ چنانکه خاقانی در این باره می‌سراید:

بادش کمال دولت تا هر دم از کمالش
در ملک آل سامان تازه بینی
(خاقانی شروانی، ۱۳۷۳: ۴۳۳)

۲- ایجاد آرامش و امنیت

فعالیت‌های اقتصادی، بویژه تجارت، جز در سایه ی امنیت و نظم و آرامش رونق نمی‌یابد. بحران در روابط سیاسی و ناآرامی و ناامنی، مشکلات بسیاری را برای کاروانیان و بازرگانان پدید می‌آورد (قرقوئی، ۲۰۰۶: ۱۲۰). از اینرو، از مهم‌ترین عوامل اعتبار و رونق جاده‌های تجاری، تضمین امنیت آن از مخاطرات انسانی و طبیعی بود (بولنوا، ۱۳۸۳: ۲۴۸). پیش از به قدرت رسیدن سامانیان، منطقه ی ماوراءالنهر همواره عرصه تهاجمات بیگانگان بویژه ترکان بود؛ اما در دوران حکومت سامانیان این

سرزمین تقریباً صد سال از هجوم بیگانگان در امان ماند (نرشخی، ۱۳۶۳: ۴۸؛ اصطخری، ۱۳۷۳: ۳۱۲-۳۱۴؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۹۷-۱۹۸). با قطع تهاجمات و تاخت‌وتازهای ویرانگر بیگانگان و همچنین تدابیر امنیتی سامانیان، اقتصاد و تجارت در منطقه‌ی ماوراءالنهر رونق یافت (باسورث، ۲۵۳۶: ۲۹). والیان و فرمانروایان سامانی برای رفاه حال کاروانیان و بازرگانان، به ایجاد امنیت اهتمام جدی داشتند. برخی محققان آبادانی راه‌ها را به همراه توجه سامانیان به ایجاد امنیت و آسایش برای کاروان‌های تجاری، از جمله مهمترین عوامل رونق تجاری ماوراءالنهر در سده‌ی چهارم هجری دانسته‌اند (باسورث، ۲۵۳۶: ۲۹؛ متز، ۱۳۶۴: ۲/ ۲۰۷). توصیف مقدسی از امنیت بخارای دوره‌ی سامانی تأییدی بر این مدعاست. او می‌نویسد: «و اگر امنیت و داد بخواهی، گویند: به بخارا، غرغ‌الشار، صعده و قرطبه برو» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱/ ۴۹).

سامانیان با حفاظت از راه‌ها، امنیت و نظم‌ی مثال‌زدنی را بر سراسر جاده‌ی ابریشم، از خراسان تا مرزهای چین، حاکم کرده بودند؛ به طوری که کاروانیان می‌توانستند هزاران فرسنگ را با آرامش خاطر در مسیرهای تجاری بپیمایند؛ از اینرو آمد و رفت مسافران و بازرگانان و کاروانیان حتی در سخت‌ترین شرایط رونق داشت (جرفادقانی، ۲۵۳۷: ۱۱۰).

مهمترین تهدید امنیتی جاده‌ها در همه‌ی دوران‌ها، حتی در زمان‌هایی که تجارت رونق داشت، خطر تهاجم راهزنان بود (اصطخری، ۱۳۷۳: ۳۲۹؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۴۸۷-۴۹۰). والیان و حکام سامانی به منظور رونق دادن به تجارت، تدابیر امنیتی شدیدی را برای سرکوب راهزنان در جاده‌ها به کار می‌بردند و به سختی با آنها مقابله می‌کردند (اشپولر، ۱۳۸۶: ۲/ ۲۶۴). برای پیشگیری از خطر راهزنان، دست کم دوگونه چاره‌اندیشی می‌شد: یکی، اعزام نگهبانان مسلح همراه کاروان‌ها و دیگری، گماشتن نگاهبانان در برخی مکان‌های مهم (کریمی، ۱۳۷۵: ۲۰۶). شحنة‌ها وظیفه داشتند علاوه بر امنیت جاده‌ها، امنیت و آرامش بازارهای شهر و معابر عمومی را برقرار سازند. محتسب‌ها نیز بر نحوه‌ی دادوستد در بازارها و قیمت‌ها و اوزان نظارت می‌کردند (تاریخ ایران کیمیریج، ۱۳۶۳: ۴/ ۲۷۹؛ ناجی، ۱۳۸۶: ۲۴۴-۲۴۵).

۱- ایجاد شبکه‌ی ارتباطی مناسب

توسعه‌ی بازرگانی، علاوه بر امنیت راه‌ها، به میزان بسیاری نیازمند زیرساخت‌هایی چون شبکه‌های ارتباطی، تعداد منازل و استراحتگاه‌های مناسب و چاه‌های آبرسانی بود؛ از اینرو وجود حکومتی سازمان‌یافته و متمرکز با امکاناتی وسیع برای تحکیم و توسعه‌ی روابط تجاری ضرورت داشت. در

اوایل دوره ی اسلامی، راه‌های مواصلاتی وضع مطلوبی نداشتند؛ اما در سده ی چهارم هجری سامانیان که به خوبی از وابستگی حیات اقتصادی و بازرگانی به راه‌ها و وسایل ارتباطی آگاهی داشتند، توجهی ویژه به این امر نشان دادند و با احداث راه‌های جدید، بهسازی و تکمیل راه‌های موجود و حفظ امنیت آن‌ها- شبکه ی گسترده‌ای از راه‌های تجاری ایجاد کردند و موجب شدند از قبل شبکه ی منظم راه‌های ارتباطی، کالاهای تجاری با آسودگی به مقصد برسد.

امرای سامانی برای حفظ و نگهداری راه‌ها هزینه فراوانی کردند، به طوری که جاده‌ها همواره مسطح و برای حرکت کاروانیان و بازرگانان آماده بود. همچنین، برای راهنمایی کاروان‌ها بر سر راه‌های تجاری برج‌ها، میل‌ها و ستون‌های سنگی و آجری بنا کردند (بولنوا، ۱۳۸۳: ۲۹) و به علامت‌گذاری مسیرهای کویری پرداختند. سامانیان، در طول راه‌ها، سنگ‌های راهنمایی را به فاصله ی یک فرسخ، قرار داده بودند تا مسافران به سادگی راه خویش را بیابند (گلجان، ۱۳۸۴: ۱۰۴). تعمیر آب‌انبارها و قنات‌ها نیز از دیگر اقدامات سامانیان برای تأمین آسایش بازرگانان بود. کاروانسراها بهترین مکان برای استراحت کاروانیان و مسافران بودند؛ از اینرو دولت سامانی برای آسایش و راحتی کاروانیان و همچنین تسهیل تجارت در آن دوران در هر پنج فرسخ، کاروانسراهایی را بنا کردند و به احیای کاروانسراهای موجود پرداختند که نقش مهمی در گسترش و رونق تجارت داشت (تکمیل همایون، ۱۳۸۹: ۷۱؛ نرشخی، ۱۳۶۳: ۲۱). در هر کاروانسرا، دیوار و برج و باروی مخصوصی برای محافظت و دفاع از مسافران و کالاهای آن‌ها قرار داشت. کاروانسراها، به طور معمول، در مسیر رشته‌ای از چاه‌های آب یا نقاط دفاعی مستحکم، به فاصله یک روز راهپیمایی کاروان‌ها، بنا می‌شدند (احسائی، ۱۹۸۹: ۲۷).

۲- سازمان‌دهی امور تجاری

در عهد سامانیان، دولت از تجارت حمایت می‌کرد و شرایط مساعدی را برای این کار فراهم می‌ساخت (ناجی، ۱۳۸۶: ۳۱۲). در این دوره به این دلیل که امیران سامانی به سامان‌دهی امور تجاری پرداختند، تجارت سازمان پیشرفته‌ای پیدا کرد (فرای، ۱۳۴۸: ۱۰۷) و بازارها رونق فراوان یافت؛ والیان و حکمرانان شهرهای گوناگون علاوه بر اهتمام جدی به ساخت و مرمت بازارها، در نظارت بر بازارها نیز بسیار دقیق بودند. سامانیان، برای سامان‌دهی امور تجاری، امتیازها و تسهیلاتی را در اختیار بازرگانان قرار دادند و افزون بر ایجاد شرایط مناسب برای رونق تجارت، رفتار بسیار مناسبی با تاجران داشتند؛ به طوری که پایگاه اجتماعی آنان را ارتقا بخشیدند (فروزانی، ۱۳۸۱: ۱۶۲؛ متر، ۱۳۶۴: ۲/ ۲۱۰). در دوره ی سامانیان، تاجران از حفظ شدن سرمایه و دارایی خویش مطمئن بودند و به دلیل آنکه اقدامات دولت

سود تجار آنان را تضمین می‌کرد، تمام تلاش خود را برای رونق تجارت به کار می‌گرفتند (متز، ۱۳۶۴: ۲/۲۰۷).

در دوره ی سامانی برای تسهیل تجارت، استفاده از نوعی چک و برات رواج یافت. بازرگانان به طور معمول برای در امان ماندن از خطر حمل پول نقد، با مراجعه به صرافی شهر خود و تحویل پول نقد، حواله‌ای را دریافت می‌کردند که در صرافی شهر مقصد، نقد شدنی بود و بدین ترتیب، از همراه بردن مبالغ هنگفت بی‌نیاز می‌شدند (فرای، ۱۳۴۸: ۱۰۶-۱۰۷؛ نعمت اف، ۱۳۸۲: ۹۷).

۳- کاهش عوارض و مالیات

بارتولد پیشرفت صنعت و بازرگانی را در عصر سامانیان، به طور مشخص، بر دو عامل استوار می‌داند: صلح خارجی و پرهیز از گرفتن باج و خراج سنگین (بارتولد، ۱۳۶۶: ۱/۵۰۳-۵۱۰). هرچند در عصر سامانیان مراکز وصول مالیات، عوارض گمرکی و حق عبور وجود داشت (نک: ابن فضلان، ۱۹۸۷: ۶۳؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۴۹۹) و به دلیل اهتمام دولت به نگهداری از راه‌ها و حفظ امنیت آن‌ها، بازرگانان ملزم به پرداخت مالیات و کاروانیان مجبور به پرداخت عوارض راهداری بودند. کیفیت دریافت مالیات از تاجران در این دوره، بویژه در اوایل آن، نسبت به دوران قبل، وضعیت بسیار بهتری داشت. امرای سامانی در گرفتن مالیات و عوارض انصاف و عدالت را رعایت می‌کردند (نرشخی، ۱۳۶۳: ۴۶، ۴۸؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۹۸-۱۹۹؛ عوفی، ۱۹۰۶: ۱/۳۲؛ سمعانی، ۱۹۹۸: ۷/۲۴-۲۵) و به طبقات گوناگون تخفیف فراوان می‌دادند و گاه مالیات بر تجارت را می‌بخشیدند (تاریخ ایران، ۱۳۶۳: ۴/۱۲۳)؛ چنانکه ابن حوقل و مقدسی از سبک بودن خراج و مالیات در عهد سامانیان خبر داده‌اند (ابن حوقل، ۱۳۶۶، ۱۹۸؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۴۹۹). تحمیل نکردن مالیات‌های سنگین بر مردم، قدرت خرید آن‌ها را افزایش می‌داد و رونق اقتصادی و پیشرفت بازرگانی را موجب می‌شد، هر چند در اواخر دوران سامانیان، بر اثر آشفتگی‌های سیاسی و اجتماعی ماوراءالنهر، اوضاع مالیاتی نیز نابسامان گردید که این امر نارضایتی مردم و کاهش مبادلات اقتصادی را در پی داشت (باسورث، ۲۵۳۶: ۳۱).

رونق تجارت خارجی در دوره ی سامانیان

سامانیان که به محدوده‌های محلی نمی‌اندیشیدند، قلمرو خود را به شاهراه تجاری شرق و غرب تبدیل کردند و توجه ی بازرگانان جهان را به خود معطوف ساختند (گلجان، ۱۳۸۴: ۵۶)؛ از اینرو، در این

دوره، تجارت خارجی و بین‌المللی ماوراءالنهر گسترش و حجم مبادلات بازرگانان در سرزمین‌های مجاور افزایش یافت (علی‌المسری، ۱۹۸۲: ۲۷۵-۲۷۶).

هرچند، هم‌زمان با تسلط سامانیان بر ماوراءالنهر، اقتصاد جهان اسلام نیز با اتکا بر تجارت رشد یافته بود. تجارت خارجی ماوراءالنهر در دوره‌ی سامانیان از مرزهای جهان اسلام فراتر رفت، به طوری که شهرهای بزرگ این منطقه در این دوران کانون بازرگانی شرق و غرب به شمار می‌آمدند (تاریخ ایران، ۱۳۶۳: ۴/۲۸۱). در دوران سامانی محصولات کشاورزی و صنعتی و مواد کانی ماوراءالنهر به نقاط دوردست صادر می‌شد؛ زیرا ماوراءالنهر در آن عهد به سرزمین‌های شرقی نزدیک و دروازه‌های چین و تبت، و اروپای شرقی و سرزمین ترکان به روی بازرگانان ماوراءالنهر باز شده بود.

تجارت با چین

بخش مهمی از تاریخ اقتصادی ماوراءالنهر، چه در عصر باستان و چه در دوره‌ی اسلامی، به تجارت با چین پیوند خورده است (نک: ابن‌خردادبه، ۱۳۷۰، ۱۵۳؛ نرشخی، ۱۳۶۳: ۲۶، ۶۲). در دوران زمامداری سامانیان، بازرگانان ماوراءالنهر مناسبات تجاری تنگاتنگی را از طریق جاده ابریشم، با چینی‌ها برقرار ساختند، به طوری که یکی از دروازه‌های شرقی سمرقند «دروازه‌ی چین» نام گرفت (اصطخری، ۱۳۷۳: ۳۳۸؛ ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۹). مهمترین عامل برقراری این ارتباط تجاری قوی، تسلط سامانیان بر شهرها و راه‌های تجاری و اهتمام ویژه آنان به امر تجارت از طریق جاده‌ی ابریشم بود. اوج مناسبات تجاری ماوراءالنهر و چین در زمان امیر نصر بن احمد سامانی (۳۳۱-۳۰۱ هـ.ق) شکل گرفت. در سال ۳۲۷ هـ.ق، پادشاه چین برای جلب دوستی امیر نصر نماینده‌ای را به بخارا فرستاد (قاضی رشید بن زبیر، ۱۹۸۴: ۱۳۹-۱۵) و تحکیم روابط و خویشاوندی دو خاندان را خواستار شد. امیر نصر نیز، هنگام بازگشت او، ابودلف خزرگی را همراه سفیر پادشاه چین کرد (حموی، ۱۹۹۰: ۳/۴۴۱). با جاری شدن پیوند میان دو طرف و انجام شدن مذاکرات، راه تجارت چین به روی مسلمانان گشوده شد و روابط تجاری دو کشور، بیش از پیش، رونق گرفت (متز، ۱۳۶۴: ۲/۲۰۷، ۲۳۱). تا پیش از این، در منابع چینی اشاره‌ای به روابط مردم این کشور با سامانیان نشده بود؛ اما، پس از این مرادوات و ورود بازرگانان مسلمان به سرزمین‌های شرقی، منابع چینی از روابط با سامانیان سخن به میان آورده‌اند؛ چنان‌که از گزارش منابع چینی می‌توان دریافت، از سال ۳۱۲ ق، بازرگانان مسلمان در مغولستان دیده شدند (بارتولد، ۱۳۷۶: ۵۶).

کشور چین با سابقه‌ای کهن، در زمینه‌های گوناگون صنعتی و هنری پیشرو بود (ثعالبی، ۱۹۹۲: ۱۵۰). صنایع کاغذسازی، سفالگری، ساخت ظروف چینی و پارچه‌بافی، بویژه ابریشم‌بافی (غرناطی، ۲۰۰۳: ۵۹)، از جمله پیشرفت‌های صنعتی چین بود که بر جهان اسلام اثر گذاشت، به گونه‌ای که این محصولات میان بازرگانان چینی و مسلمان مبادله می‌شد. مهمترین محصولاتی که از سرزمین چین وارد می‌شد؛ عبارت بود از: مواد ابریشمی، مشک، ادویه، ظرف‌های چینی، کاغذ، کافور، دارچین، آینه، دگمه، چخماق، سوهان، سوزن، قیچی، فولاد و اجناس فلزی دیگر و نیز انواع و اقسام داروهای طبی، که همه‌ساله بر هزاران شتر دوکوهانه بار و به سمرقند و بخارا و سایر شهرهای ماوراءالنهر وارد (راوندی، ۱۳۷۲: ۵/ ۹۸؛ همچنین نک: جاحظ، ۱۹۹۶: ۳۳-۳۴) و از آنجا به دیگر سرزمین‌های اسلامی می‌رسید (نک: نقشه شماره دو). خریدار اصلی کالاهای چینی، خلفای عباسی و والیان و حاکمان ایران بودند. از اینرو شهرهای ماوراءالنهر انبار کالاهای چینی گردید و بازرگانان سغدی رابط انتقال این کالاها به ایران و بغداد شدند (بولنوا، ۱۳۸۳: ۱۴۲؛ راوندی، ۱۳۷۲: ۵/ ۹۸).

از آنجا که چین مرکز تولید ابریشم به شمار می‌آمد و ابریشم این کشور از مهمترین محصولاتی بود که بازرگانان ماوراءالنهر وارد می‌کردند (جاحظ، ۱۹۹۶: ۳۳). کاغذ نیز از دیگر محصولاتی بود که از چین وارد می‌شد. هر چند سمرقندیان فناوری ساخت کاغذ را از چینی‌ها آموخته بودند؛ لکن انواع عالی و گران‌بهای کاغذ را همچنان از چین وارد می‌کردند (جاحظ، ۱۹۹۶: ۳۳؛ زکی، ۱۳۸۴: ۴۵). از دیگر محصولات مشهوری که از چین وارد می‌شد، کالاهای تجملی؛ از جمله ظروف سفالی بود. با افزایش رفاه مردم بغداد و دیگر شهرهای قلمرو عباسی، کالاهای تجملی خواهان بسیار یافت؛ از اینرو، تجار توجه ویژه‌ای به واردکردن این کالاها از چین و توزیع آن در سرزمین‌های اسلامی مبذول داشتند؛ چرا که هم خریداران فراوانی داشت و هم به دلیل اندازه ی کوچک، حمل‌ونقل آن‌ها به صرفه بود (باسورث، ۲۵۳۶: ۱۵۰).

چینیان، در برابر صادرات این کالاها، اسب و برخی کالاهای صنعتی، چون شیشه که در سمرقند و دیگر شهرهای ماوراءالنهر تهیه می‌شد، وارد می‌کردند (فرای، ۱۳۴۸: ۱۰۴). طرفه آنکه، به رغم مبادلات تجاری فراوان میان تجار سغدی و چینیان، تاکنون در چین و ترکستان شرقی دفینه‌ای از سکه‌های سامانیان به دست نیامده است. برخی محققان علت این امر را بی‌ربطی چینیان به پذیرش مسکوکات نقره‌ای، به خصوص مسکوکات بسیار کم‌عیار سامانیان، دانسته‌اند (فرای، ۱۳۴۸: ۱۰۵، ۲۱۱). این احتمال نیز می‌رود که مبادلات تجار دو سرزمین جنسی و غیرنقدی بوده باشد (همانجا؛ هروی، ۱۳۸۲: ۳۱۸).

تجارت با تبت

نواحی وختان و بدخشان، در جنوب شرقی ماوراءالنهر (اصطخری، ۱۳۷۳: ۳۳۴)، در مسیر بازرگانی تبت قرار داشتند و بازرگانان در آنجا به تجارت مشغول بودند. جغرافی دانان از وجود معادن طلا و نقره و جواهر و نیز تولید گلیم در این نواحی خبر داده‌اند که به سایر نواحی صادر می‌شد (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۹۵؛ حموی، ۱۹۹۰: ۵/۳۴۶؛ سمعانی، ۱۹۹۸: ۲/۱۲۰). همچنین، مُشک و برده نیز از محصولات بود که از تبت وارد و در این منطقه دادوستد منطقه می‌شد (اصطخری، ۱۳۷۳: ۳۴۸؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۵۶؛ حدودالعالم، ۲۱۹). کاروان‌های برده‌فروشی ماوراءالنهر، با عبور از این منطقه به خراسان رفته، از خراسان عازم سرزمین‌های اسلامی مغرب می‌شدند (لسترنج، ۱۳۷۳، ۴۶۶).

ده بزرگ و مرزی سمرقنداق، در انتهای حدود ماوراءالنهر، محل تلاقی بازرگانان هندی، تبتی و مسلمان بود، به طوری که کالاهای چینی و هندی پس از عبور از تبت و گذشتن از این نواحی، به ماوراءالنهر و از آنجا به سایر شهرهای اسلامی برده می‌شدند (حدودالعالم، ۱۳۷۲: ۳۵۸). این ناحیه ی صعب‌العبور، کوهستانی و بسیار سرد و برای زندگی صحرائشینی نامناسب بود؛ از اینرو کمتر در معرض غارت مهاجمان بیگانه قرار می‌گرفت و تجارت در آنجا به جز دوره ی سامانی، تجارت داخلی بود (بارتولد، ۱۳۶۶، ۱/۱۷۱).

تجارت با اروپای شرقی

هرچند تجارت مسلمانان با تاجران اروپای شرقی (مملکت خزرها در جنوب روسیه و بلغارهای کرانه ولگا) از سده ی سوم هجری آغاز شد و تا سده ی ششم ادامه داشت (غرناطی، ۲۰۰۳: ۹۷)، در سده چهارم هجری هم زمان با امارت سامانیان به اوج رسید (kovalev, 2002: 197). در عهد خلافت مقتدر عباسی (۲۹۵-۳۲۰ هـ.ق)، بلغاریان ولگا، با فرستادن نمایندگانی به بغداد برای مقابله با خزران جنوب از خلیفه درخواست کمک کردند و نیز خواستار آن شدند که برای تعلیم شعائر اسلام که از مدتی نه‌چندان دور به آن گرویده بودند، کسانی به سوی آن‌ها فرستاده شوند. پس از این درخواست مقتدر عباسی سفیرانی را به این سرزمین فرستاد که در میان آن‌ها احمد بن فضلان، فقیه بصره، در جایگاه منشی سفارت حضور داشت (کراچکوفسکی، ۱۳۷۹: ۱۴۹-۱۵۰؛ بارتولد، ۱۳۷۶: ۸۲؛ N.Negmatove. 1999. 85). سفر آنها به سرزمین بلغار یک سال (۳۰۹-۳۱۰ هـ.ق) طول کشید. ابن فضلان، در سفرنامه‌اش، به طور مفصل، به راه تجاری جیحون و خوارزم تا ولگا اشاره کرده است

(نک: ابن فضلان، ۱۹۸۷: ۶۷ - ۶۸). دلیل رونق تجارت میان بازرگانان ماوراءالنهر و تاجران اروپای شرقی تغییر مسیر تجاری این سرزمین در سده ی چهارم هجری بود؛ پیش از آن، راه تجاری ای که از بغداد و ایران به پادشاهی بلغار می‌رفت، از قفقاز و خزر عبور می‌کرد؛ اما در سده ی چهارم هجری، در پی تیرگی روابط خلافت عباسی با پادشاه خزران، راه تجاری با عبور از ماوراءالنهر به ناحیه ی خیوه، مرکز خوارزم جنوبی، به ناحیه ی اورگنج و از آنجا به کشور پادشاهی بلغار می‌رسید (راوندی، ۱۳۷۲: ۵/۱۱۰ - ۱۱۱)؛ در نتیجه مناسبات تجاری میان سرزمین‌های ولگا و خوارزم، از سده ی چهارم هجری به بعد، بلغارهای ولگا اسلام آوردند که این امر موجب شد در ادوار بعد، تجارت این منطقه قوت بیشتری یابد (علی‌المسری، ۱۹۸۲: ۲۷۲، ۳۰۴) چراکه سلطان نشین مسلمان بلغار، پایگاهی برای تجارت با سیبری غربی و اروپای شرقی شد (باسورث، ۲۵۳۶: ۲۱۰).

مبادلات بازرگانی ماوراءالنهر با اروپای شرقی، با به قدرت رسیدن سامانیان، تحولی بسزا یافت (فرای، ۱۳۴۸: ۱۰۴). به نوشته فرای، سرزمین روس‌ها و بلغارها، مسیر مناسبی برای ارتباط تجاری سامانیان با غرب بود و این ارتباط از آغاز امارت نصر بن احمد سامانی وسعت بیشتری یافت (همان: ۱۰۵). در منابع جغرافیایی سده ی چهارم هجری اطلاعات گوناگونی در این باره موجود است که رونق تجارت را در این منطقه تأیید می‌کند. این اطلاعات درباره راه‌های تجاری بین دو منطقه در دوره ی سامانی، بازرگانانی که به این تجارت اشتغال داشتند و کالاهایی است که از کشورهای اروپایی به قلمرو سامانیان صادر می‌شد (ناجی، ۱۳۸۶: ۳۲۳).

از مهمترین نشانه‌های رونق مبادلات تجاری سامانیان با اروپاییان شرقی مسکوکات نقره‌ای سامانیان است که در روسیه، لهستان و کشورهای اسکاندیناوی (دانمارک، سوئد و نروژ) به تعداد فراوان به دست آمده است. در این میان، بیشترین سکه ی یافت شده در سوئد است که به گفته ی پروفیسور نونان، سکه‌شناس معروف دوره ی سامانی، تعدادشان به صد هزار سکه می‌رسد (kovalev, 2002: 199) از آنجا که در اروپای شرقی منابع نقره کم بود، این سکه‌ها به طور عمده به شکل مال‌التجاره با کالاهای دیگر مانند پوست و ... مبادله می‌گشت. بازرگانان ماوراءالنهر که دریافته بودند سکه‌های نقره میان قبایل بیابان‌گرد استپ‌های جنوب روسیه و بلغارها خواهان بسیار دارد، این مسکوکات را به عنوان مال‌التجاره به روسیه و بلغار و دشت قپچاق و دیگر سرزمین‌های مجاور روسیه می‌بردند (فرای، ۱۳۴۸: ۱۰۵؛ بارتولد، ۱۳۳۷: ۱۰۸-۱۰۹). به نوشته گردیزی، مردم این منطقه درهم‌هایی را که از بازرگانان ماوراءالنهر می‌گرفتند به مناطق دیگر می‌بردند و با آنها دادوستد می‌کردند (گردیزی، ۱۳۶۳: ۵۸۶) Y از اینرو، مسکوکات سامانی در کشورهای اطراف سرزمین بلغارها،

مانند اسکاندیناوی، نیز یافت شده است. نکته جالب آنکه اقوام این منطقه مسکوکات نقره را از روی وزن دادوستد می‌کردند؛ به همین دلیل گاه مجبور می‌شدند بعضی از مسکوکات را به دو نیم کنند (هروی، ۱۳۸۲: ۳۲۶). چنانکه ابن حوقل در کتاب خود به درهم‌های شکسته اشاره کرده است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۲۷). اشپولر معتقد است با فروپاشی حکومت سامانیان و تقسیم خراسان و ماوراءالنهر میان قراخانیان و غزنویان، مبادلات تجاری ماوراءالنهر با اروپای شرقی به ناگهان متوقف شد و نشانه‌ی این امر یافت نشدن سکه‌های مربوط به دوره‌های بعد در اروپای شرقی است، چنانکه آخرین سکه‌ی یافت شده در اروپای شرقی به نخستین سال‌های سده‌ی پنجم هجری تعلق دارد (اشپولر، ۱۳۸۰: ۱۹۲). راه‌های متعددی ماوراءالنهر را به اروپای شرقی متصل می‌کرد که برخی از آنها از طریق دریای خزر و برخی دیگر از طریق خوارزم بود. ابن فضلان جاده‌ای را که از بخارا به خوارزم (۴) و از آنجا به سمت مرکز بلغارها می‌رفت، به تفصیل وصف کرده است (نک: رساله ابن فضلان).

در غربی‌ترین نقطه‌ی مسیر تجاری «بخارا - بالتیک» قرار داشت که در آن وایکینگ‌ها (جنگجویان دریانورد) به تجارت با ملل شرق تمایل داشتند. وایکینگ‌ها خزهای قیمتی را به روسیه و نواحی اطراف آن می‌آوردند و در آنجا با تجار مسلمان ملاقات می‌کردند. چون وایکینگ‌ها از ضرب سکه عاجز بودند، آزمندانه به مبادله‌ی کالا با سکه‌های نقره می‌پرداختند. در واقع، درهم‌های تجار مسلمان محرک اصلی مردم اسکاندیناوی برای تجارت با شرق بود (جعفری، ۱۳۸۰: ۹۲-۹۶). کالاهای دیگری که به اروپای شرقی صادر می‌شد؛ بیشتر، کالاهای تجملی از قبیل ابریشم، پارچه‌های پنبه‌ای، کاسه و بشقاب‌های مسی و نقره‌ای، اسلحه، سنگ‌های قیمتی، جواهرات و زینت‌های مروارید بودند و کالاهایی که از آن سو به ماوراءالنهر می‌آمد، علاوه بر برده، انواع پوست خز، گوسفند، روباه و سنجاب، عنبر، عسل و مواد خامی از این قبیل بود (۵) (فرای، ۱۳۴۸: ۱۰۳-۱۰۴؛ بارتولد، ۱۳۳۷، ۱۰۸. به عنوان نمونه نک: گردیزی، ۱۳۶۳: ۵۸۳-۵۸۵؛ صورالاقالیم، ۱۳۵۳: ۱۱۰). در پایان باید گفت، در تجارت با اروپای شرقی سعیدیان، در کنار خزرها (brook, 2006: 73-80)، نقش بسیار مهمی داشتند. گویا خوارزمیان نیز به عنوان نیروهای نظامی و محافظ در کاروان‌ها ایفای نقش می‌کردند (فرای، ۱۳۴۸: ۱۰۴) ابن خردادبه از گروه دیگری از تاجران یهودی به نام راذنیه خبر داده است که در این منطقه و ماوراءالنهر به تجارت مشغول بودند و برای رونق تجارت خود، به زبان‌های اسلاوی، روسی و فرنگی مسلط بودند (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۱۷۲)

تجارت با سرزمین‌های ترک‌نشین

ماوراءالنهر از دیرباز در همسایگی اقوام ترک قرار داشت (اصطخری، ۱۳۷۳: ۳۰۷، ۳۱۲). تا اواسط دوره ی سامانیان، به دلیل درگیری‌های نظامی، روابط تجاری اهالی ماوراءالنهر با ترکان ساکن سرزمین‌های آن سوی سیحون و فرغانه کم‌رنگ و تنش‌های مذهبی مانع مناسبات بازرگانی میان بازرگانان دو سرزمین بود (هروی، ۱۳۸۲: ۳۱۶)؛ اما از میانه ی دوره سامانیان، با مسلمان شدن بخش وسیعی از ترکان، این وضع تغییر کرد و نفوذ عمیق اسلام میان ترکان موجب شد مرز چند صد ساله ی میان دو طرف برداشته شود و امنیت بر این منطقه سایه افکند؛ از آن پس فضای مناسبی برای رشد مناسبات تجاری میان شهرهای شمالی ماوراءالنهر و سرزمین ترکستان فراهم آمد (غفورف، ۱۳۸۲: ۵۶۰/۱؛ ناجی، ۱۳۸۶: ۳۱۴؛ هروی، ۱۳۸۲: ۳۱۷).

به نوشته اشپولر، تجارت این منطقه «تجارت خاموش» بود (اشپولر، ۱۳۸۶: ۲/ ۲۲۲) به این معنا که سکه‌ای میان دو طرف مبادله نمی‌شد و مبادلات به صورت پایاپای انجام می‌گرفت (بارتولد، ۱۳۳۷: ۱۱۱). صحرائشینان ترک، به میزان بسیار، چارپایان باری و کشتاری، چرم، پوستینه و برده با خود به شهرهای مرزی ماوراءالنهر می‌آوردند (۶) (گردیزی، ۱۳۶۳، ۴۰۹؛ صور الاقالیم، ۱۳۵۳: ۱۱۰؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۴۷۶؛ ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۱۷۹؛ جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۷۸؛ اصطخری، ۱۳۷۳: ۳۰۸؛ جاحظ، ۱۹۹۶: ۳۶). از این میان اسب و قاطر معمولاً مورد نیاز داخلی بود؛ اما تولیدات پوستی وارد شده از ترکستان، پس از دباغی به نقاط دیگر صادر می‌گردید (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۴۷۶؛ باسورث، ۲۵۳۶: ۱۴۹-۲۱۰) از مهمترین اقلام تجاری ترکان غز، گوسفند بود؛ از اینرو نیازهای گوشتی اهالی خراسان و ماوراءالنهر را تأمین می‌کردند (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۱۷۹؛ سومر، ۱۳۹۰: ۸۳) و در عوض، از شهرهای مرزی پوشاک، گندم و اسلحه با خود همراه می‌بردند (بارتولد، ۱۳۶۶: ۱/ ۵۱۰). ترکان مهاجم، با دیدن امکانات مادی و کالاهای تولیدشده در قلمرو سامانیان، اندک‌اندک در مرزهای سامانیان استقرار یافتند و پاره‌ای از آن مناطق را به مرکز تجارت با مسلمانان تبدیل کردند (علی المسری، ۱۹۸۲: ۲۷۵)، به طوری که شهرهای طرازی، صبران، اسپيجاب و فاراب بارکده‌های شمالی (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۹۳-۱۸۲؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۳۶؛ حدودالعالم، ۱۳۷۲: ۳۴۲-۳۴۶) و شهر اوزکند بارکده شرقی (اصطخری، ۱۳۶۸: ۳۶۳؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۳۸؛ جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۹۴) ماوراءالنهر شمرده می‌شدند (نک: نقشه شماره یک)

تأمل در گزارش‌های جغرافی‌دانان سده ی چهارم هجری، از شهرهای هم‌مرز با ترکان، رونق تجارت با ترکان را در این مناطق روشن می‌سازد. صاحب حدودالعالم بسیاری از شهرهای هم‌مرز با ترکان را جای بازرگانان خوانده (حدودالعالم، ۱۳۷۲: ۳۳۴-۳۳۵) و نوشته است: «هر چیز کی از همه ترکستان خیزد، آنجا افتد» (همان، ۳۴۴). شهر صبران (سوران) از شهرهای مهم تجاری هم‌مرز با ترکان بود که به هنگام صلح روابط بازرگانی خوبی میان اهالی آن و صحرانشینان ترک برقرار می‌شد (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۹۳؛ اصطخری، ۱۳۷۳: ۳۶۰). در اسپبج، که سرحد منطقه ترکان بود، هر آن چیزی که در سرزمین ترکان تولید می‌گردید، یافت می‌شد، به طوری که بازرگانان نواحی گوناگون برای خرید، در آنجا حضور می‌یافتند (حدودالعالم، ۱۳۷۲: ۳۴۴؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۹۸/۲). کدر، قصبه ی ناحیه فاراب (اترار) اسپبج، نیز شهری تجاری بود (حدودالعالم، ۱۳۷۲: ۳۴۴) و بر سر راه اصلی تجاری اروپا به چین قرار داشت. اوزکند نیز از مهمترین شهرهای تجاری منطقه (اصطخری، ۱۳۷۳: ۳۶۳) و به نوشته جیهانی، «جای بازرگانان ترکان» بود (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۹۴-۱۹۵). طراز دیگر شهر مهم تجاری این منطقه به شمار می‌آمد که ابن حوقل آن را مرکز تجارت سوداگران مسلمان ترک خرلخ دانسته (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۳۶) و جیهانی آن را جای بازرگانی میان مسلمانان و ترکان خوانده است (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۹۳، ۱۷۷).

تجارت با عراق

از مهمترین کانون‌های تجارت خارجی ماوراءالنهر، سرزمین عراق و دربار خلافت عباسی بود. به دلیل روابط خوب سامانیان با خلفای عباسی و همچنین استقبال درباریان از کالاها و تولیدات سرزمین ماوراءالنهر، ارتباط تجاری میان ماوراءالنهر و عراق بسیار پررونق بود (علی‌المسری، ۱۹۸۲: ۲۷۶). کاروان‌های تجاری از طریق جاده ی ابریشم و پس از عبور از ماوراءالنهر و خراسان و همدان وارد عراق عرب شده، محصولات خود را در بازارهای این سرزمین عرضه می‌کردند.

در بغداد گروه‌های بسیاری از مردم ماوراءالنهر و سرزمین ترکان ساکن بودند که به تجارت و صنعت اشتغال داشتند، چنانکه یعقوبی به برخی محله‌های اهل بخارا و خوارزم و فعالیت‌های تجاری آن‌ها در بغداد اشاره کرده است (یعقوبی، ۲۵۳۶: ۱۴، ۱۶/۲، ۲۴۹). البته روابط تجاری بازرگانان ماوراءالنهر و عراق دو سویه بود. ابن جوزی در شرح حال یکی از تجار بغداد، به نام احمد بن محمد بن ابی‌الفضل المختار بغدادی، چنین آورده است که وی از بغداد عازم ماوراءالنهر شد ... و در نهایت، در جریان

سفرهای تجاری، در نیشابور درگذشت. او از مشهورترین تجار اسلحه، منسوجات ابریشمی، کاغذ و مواد خام بود که آن‌ها را از ماوراءالنهر به بغداد وارد می‌کرد (ابن جوزی، ۱۹۹۵: ۱۰/۱۳۴؛ همچنین نک: علی المسری، ۱۹۸۲: ۲۷۸) باسورث شهرهای عراق را بزرگترین بازار مصرف جهان اسلام در آن دوران می‌شمارد و متذکر می‌شود که عمده‌ی کالاهای آن از طریق سرزمین‌های شرقی، بویژه ماوراءالنهر، تأمین می‌شد (باسورث، ۲۵۳۶: ۱۴۹). در منابع جغرافیایی سده‌ی چهارم هجری به بسیاری از محصولات تولیدی ماوراءالنهر که به عراق صادر می‌شد، اشاره شده است که از جمله آن می‌توان به سلاح‌های تولیدی فرغانه و ابزارهای آهنی مینک، از توابع اشروسنه اشاره کرد (اصطخری، ۱۳۷۳: ۳۰۹، ۳۵۴؛ همچنین نک: راوندی، ۱۳۷۲: ۵/۱۱۲؛ علی المسری، ۱۹۸۲: ۲۷۴)؛ هرچند مهمترین کالاهای صادراتی ماوراءالنهر به عراق پارچه و منسوجات بود. همچنین دربار خلفای عباسی مهمترین مشتریان پارچه‌های ابریشمی، زندیجی و جامه و ذاری شمرده می‌شدند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۴۷۶؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۴۵؛ نرشخی، ۱۳۶۳: ۲۲؛ هاید، ۱۹۸۵: ۵۶).

افزون بر محصولات تولیدی، تجارت برده از مهمترین عوامل رونق روابط تجاری ماوراءالنهر و عراق به شمار می‌آمد (علی المسری، ۱۹۸۲: ۲۰۳). تجارت برده در ماوراءالنهر، در سده‌های چهارم و پنجم هجری، اهمیت فراوانی داشت و تجارتی پرسود شمرده می‌شد، به طوری که ماوراءالنهر به یکی از مهمترین کانون‌های تجارت برده در جهان اسلام بدل شده بود (اصطخری، ۱۳۷۳: ۳۲۵؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۹۵). در ماوراءالنهر بیشتر خرید و فروش بردگان ترک رایج بود (یعقوبی، ۲۵۳۶: ۲/۲۵۵)؛ یکی به این دلیل که ماوراءالنهر با سرزمین ترکان هم‌مرز بود و غلامان ترک به فراوانی و سهولت در مرزهای ماوراءالنهر یافت می‌شدند و دیگر، به دلیل آن که آنان به لحاظ جنگاوری نزد خلفای عباسی ارج و قرب داشتند (نک: ابن عامر، ۱۹۹۶: ۵، ۱۸۸-۲۰۹؛ بولنوا، ۱۳۸۳: ۱۳۲؛ تاریخ ایران، ۱۴۳/۴: ۲۸۲، ۱۴۳). بدین ترتیب کامیابی اقتصادی سامانیان، بیش از هر چیز، ناشی از تجارت برده در سراسر قلمرو این دولت بود زیرا تقاضای خرید غلامان ترک هرگز فروکش نکرد. سامانیان، با گرفتن حق عبور از بردگان، درآمد سرشاری به دست می‌آوردند. (فرای، ۱۳۴۸، ۱۰۵-۱۰۶؛ تاریخ ایران، ۱۳۶۳: ۱۴۳/۴، ۱۳۱؛ ناجی، ۱۳۸۶: ۳۳۱). گاهی نیز این بردگان به عنوان خراج و جزیه و گاه به عنوان هدیه و پیشکش (۷)، جهت کسب مشروعیت، به دربار خلافت عباسی ارسال می‌شدند (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۳۴؛ بلاذری، ۳۰۴؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۲۴۸؛ طبری، ۳۸۵۴/۹؛ نرشخی، ۱۳۶۳: ۵۲).

فروش برده در سمرقند رونق بیشتری داشت، به گونه‌ای که بزرگترین بازار بردگان ماوراءالنهر در این شهر برپا می‌شد (ثعالبی، ۱۹۹۲: ۱۴۹). متر در این باره می‌نویسد: «اهل سمرقند مانند مردم ژنو و

لوزان از طریق بازرگانی برده امرار معاش می‌کردند» (متز، ۱۳۶۴: ۱/ ۱۸۸). بردگان سمرقندی شهرت خاصی داشتند، چنانکه بنا بر نوشته ی ثعالبی، از طاهر بن عبدالله دستوری به نمایندگانش رسیده بود؛ به این مضمون که هرگاه به یابوهای طخارستانی و استران بردعی (۸) و خرهای مصری و بردگان سمرقندی برخوردید، بی درنگ آنها را خریداری کنید و از ما نظر نخواهید (ثعالبی، ۱۹۹۲: ۱۵۰).

نتیجه

در سده ی چهارم هجری که سامانیان بر سرزمین ماوراءالنهر حکمرانی می‌کردند، تجارت در ماوراءالنهر رونقی بسیار داشت، به طوری که شکوفایی کشاورزی و صنایع و معادن این سرزمین نیز در گرو بازرگانی آن بود. رشد و رونق فعالیت‌های تجاری ماوراءالنهر، در این دوره، رابطه‌ای مستقیم با اقتدار دولت سامانیان داشت و تجدید حیات اقتصادی و تجاری ماوراءالنهر در عصر سامانیان، بازتابی از نظم و امنیت سیاسی و اجتماعی این دوران بود. امرای سامانی، علاوه بر ایجاد وحدت سیاسی، با برنامه‌ریزی منظم و دقیق و انتظام امور اقتصادی و ایجاد شبکه ی ارتباطی مناسب و همچنین کاهش عوارض و مالیات، موجب رشد فعالیت‌های اقتصادی متکی بر تجارت در ماوراءالنهر شدند؛ در نتیجه، در این دوره ایالات ماوراءالنهر به مراکز پیشرفته ی تجاری شرق و شهرهای این سرزمین به کانون مهم بازرگانی بدل شدند و اقتصاد ماوراءالنهر با رونق بازارها و بهبود فضای کسب‌وکار، افزایش درآمد، شکوفایی تجارت داخلی، افزایش حجم مبادلات تجاری و، در نتیجه، رونق تجارت خارجی شکوفا گردید. سرانجام اینکه تجارت خارجی ماوراءالنهر، در دوره ی سامانیان، به طور عمده با بازرگانان سرزمین‌های چین و تبت، سرزمین ترکان، اروپای شرقی، خراسان و عراق انجام می‌شد.

پی‌نوشت

۱. نک جدول شماره یک.
۲. این بخش از کتاب تاجیکان در قالب مقاله ای به عنوان «تشکل مردم تاجیک و سازمان دولتی آن [در دوران] دولت طاهریان، صفاریان و سامانیان (سده‌های نهم و دهم میلادی)» در کتاب تاجیکان، آریایی‌ها و فلات ایران (به اهتمام میرزا شکورزاده) چاپ شده است.
۳. این رساله را نشر امیرکبیر در سال ۱۳۸۶ به چاپ رسانده است.

۴. در این زمینه نک: عبدالرسول خیراندیش، «مسیر تجاری بخارا و خیوه و اهمیت آن در تاریخ تمدن جهانی». ستوده فاصله بخارا تا خیوه را ۴۸۰ کیلومتر ذکر می‌کند (ستوده: ۸۳).
۵. نک: نقشه شماره دو.
۶. نک: نقشه شماره دو.
۷. چنان که طولون پدر احمد بن طولون (حاکم معروف مصر و شام در دوره عباسی) از غلامان ترکی بود که نوح بن اسد سامانی در سال ۲۰۰ با عده‌ای دیگر از بردگان به مأمون خلیفه عباسی هدیه کرده بود. (ابن خلکان، ۱/ ۱۷۳-۱۷۴)
۸. بردع: مرکز شاهی اران در ارمنیه بود که استران نیکی داشت. (حدودالعالم، ۱۶۱)



تبارنامه ی سامانیان

امیر	لقب	قلمرو حاکمیت	سال حکومت
۱. سامان خدات		قریه سامان	
۲. اسدبن سامان خدات		قریه سامان	۲۰۴- / -۸۱۹
۳. یحیی بن اسد		چاچ و اسروشنه	۲۰۴- / ۲۴۱ / -۸۱۹- ۸۵۵
۴. الیاس بن اسد		هرات	۲۰۴- / ۲۴۲ / -۸۱۹- ۸۵۶
۵. نوح بن اسد (نوح اول سامانی)		سمرقند	۲۰۴- / ۲۲۸ / -۸۱۹- ۸۶۴
۶. احمد بن اسد (احمد اول سامانی)		ماوراءالنهر	۲۰۴- / ۲۵۰ / -۸۱۹- ۸۶۴
۷. نصر بن احمد (نصر اول سامانی)		ماوراءالنهر	۲۵۰- / ۲۷۹ / -۸۶۴- ۸۹۲
۸. اسماعیل بن احمد (اسماعیل اول سامانی)	عادل	خراسان بزرگ	۲۷۹- / ۲۹۵ / -۸۹۲- ۹۰۷
۹. احمد بن اسماعیل (احمد دوم سامانی)	شهید	خراسان بزرگ	۲۹۵- / ۳۰۱ / -۹۰۷- ۹۱۴
۱۰. نصر بن احمد (نصر دوم سامانی)	سعید	خراسان بزرگ	۳۰۱- / ۳۳۱ / -۹۱۴- ۹۴۳
۱۱. نوح بن نصر (نوح دوم سامانی)	حمید	خراسان بزرگ	۳۳۱- / ۳۴۳ / -۹۴۳- ۹۵۴
۱۲. عبدالملک بن نوح (عبدالملک اول سامانی)	رشید	خراسان بزرگ	۳۴۳- / ۳۵۰ / -۹۵۴- ۹۶۱
۱۳. منصور بن نوح (منصور اول سامانی)	سدید	خراسان بزرگ	۳۵۰- / ۳۶۵ / -۹۶۱- ۹۷۶
۱۴. نوح بن منصور (نوح سوم سامانی)	رضی	خراسان بزرگ	۳۶۵- / ۳۸۷ / -۹۷۶- ۹۹۷
۱۵. منصور بن نوح (منصور دوم سامانی)		خراسان بزرگ	۳۸۷- / ۳۸۹ / -۹۹۷- ۹۹۹
۱۶. عبدالملک بن نوح (عبدالملک دوم سامانی)		خراسان بزرگ	۳۸۹ / ۹۹۹
۱۷. اسماعیل بن نوح (اسماعیل دوم سامانی)	منتصر	خراسان بزرگ	۳۸۹- / ۳۹۵ / -۹۹۹ / ۱۰۰۶

برگرفته از: هروی، تاریخ سامانیان



پروژه شگانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نقشه شماره ۲: تجارت خارجی سامانیان

منبع: بولولو، تمدن اسلامی، ص ۱۲۰

منابع

- ابن جوزی، جمال‌الدین ابی‌الفرج عبدالرحمان بن علی (۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۵ م). المنتظم فی تواریخ الملوک و الامم. تحقیق سهیل زکار. بیروت.
- ابن حوقل، محمد (۱۳۶۶ ش). صورہ الارض. ترجمه و توضیح جعفر شعار. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله (۱۳۷۰ ش). المسالک و الممالک. ترجمه حسین قره‌چانلو. تهران: نشر مترجم.
- ابن عامر، توفیق (۱۹۹۶ م). الحضاره الاسلامیه و تجاره ی الرقیق خلال القرنین الثالث و الرابع الهجره. تونس: کلیه العلوم الانسانیه و الاجتماعیه.
- ابن فضلان، احمد (۱۹۸۷ م). رساله ابن فضلان. تحقیق سامی الدهان. الطبعة الثانیه. بیروت: مکتبه الثقافه العالمیه.
- ابن فقیه، ابوبکر احمد بن محمد (۱۳۴۹ ش). مختصرالبلدان. ترجمه ح. مسعود. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- احسائی، محمدتقی (۱۹۸۹ م). یادی از کاروانسراها. رباطها و کاروانها. لوس آنجلس: نشر مؤلف.
- اشپولر، برتولد (۱۳۸۰). «تجارت سرزمین‌های شرقی در سده‌های نخستین اسلامی». ترجمه یعقوب آژند. فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۵، صص ۱۸۳-۱۹۶.
- اشپولر، برتولد (۱۳۸۶ ش). تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی. ترجمه جواد فلاطوری (ج ۱) و مریم میراحمدی (ج ۲). چاپ پنجم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۷۳ ش). مسالک و ممالک. به کوشش ایرج افشار. چاپ سوم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیریچ (۱۳۳۷ ش). فرهنگ و تمدن مسلمانان. ترجمه ی علی اکبر دیانت. تبریز: ابن سینا.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیریچ (۱۳۶۶ ش). ترکستان نامه. ترجمه ی کریم کشاورز. چاپ دوم. تهران: خیام.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیریچ (۱۳۷۶ ش). تاریخ ترک‌های آسیای میانه. ترجمه غفار حسینی. تهران: توس.

- باسورث (۲۵۳۶ پ). ادموند کلیفورد. تاریخ غزنویان. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.
- بولنوا، لوس (۱۳۸۳ ش). راه ابریشم. ترجمه ملک ناصر نویان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بیات، عزیزالله (۱۳۵۳). اوضاع اقتصادی ماوراءالنهر و خراسان در زمان حکومت سامانیان. مجله بررسی‌های تاریخی. شماره ۳. سال نهم. تهران. صص ۸۰-۶۴.
- تاریخ ایران (۱۳۶۳ ش). پژوهش دانشگاه کمبریج. جلد ۴. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.
- تکمیل همایون (۱۳۸۹ ش). ناصر، جاده ابریشم. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ثعالبی، ابی منصور عبدالملک بن محمد (۱۴۱۳ ق/ ۱۹۹۲ م) لطائف المعارف. تحقیق محمد ابراهیم سلیم. قاهره: دار الطلائع.
- جاحظ، عمرو بن بحر، کتاب التبصر بالتجاره (۱۹۶۶ م). تحقیق حسن حسنی عبدالوهاب. بیروت: دارالکتب الجدید.
- جرفادقانی، ابوالشرف ناصح بن ظفر (۲۵۳۷ پ). ترجمه تاریخ یمینی. به اهتمام جعفر شعار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- جعفری، کریم (۱۳۸۰). دومین کنفرانس روابط تاریخی ایران و دشت قبیچاق. کتاب تاریخ ماه و جغرافیا. شماره ۸۰. صص ۹۶-۹۲.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد (۱۳۶۸ ش). اشکال العالم. ترجمه ی عبدالسلام کاتب. تصحیح فیروز منصوری. مشهد: آستان قدس رضوی.
- حدود العالم من المشرق الی المغرب (۱۳۷۲ ش). با مقدمه بارتولد و تعلیقات مینورسکی. ترجمه میرحسین شاه. به تصحیح مریم میراحمدی و غلامرضا ورهرام. تهران: دانشگاه الزهرا.
- حموی، یاقوت (۱۹۹۰ م). معجم البلدان. تحقیق فرید عبدالله العزیزالجندی. بیروت: لبنان، دارالکتب العلمیه.
- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل بن علی (۱۳۷۳ ش). دیوان. به کوشش ضیاء‌الدین سجادی. چاپ چهارم. تهران: زوار.
- خیراندیش، عبدالرسول (۱۳۸۰). مسیر تجاری بخارا و خیوه و اهمیت آن در تاریخ تمدن جهانی. پژوهشنامه علوم انسانی. شماره ۳۰، صص ۱۵-۱.
- راوندی، مرتضی (۱۳۷۲ ش). تاریخ اجتماعی ایران. جلد ۵. چاپ سوم. تهران: روزبهان.

- زکی، محمدحسن (۱۳۸۴ ش). چین و هنرهای اسلامی. ترجمه غلامرضا تهامی. تهران: فرهنگستان هنر.
- سمعی، عبدالکریم بن محمد (۱۴۱۹ ق / ۱۹۹۸ م). الانساب. تصحیح عبدالله عمر الباوری. بیروت: دارالفکر.
- سومر، فارق (۱۳۹۰ ش). تاریخ غزها (ترکمن‌ها). ترجمه وهاب ولی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صور الاقالیم (هفت کشور) (۱۳۵۳ ش). تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- علی المسری (۱۴۰۲ ق / ۱۹۸۲ م). حسین، تجاره العراق فی العصر العباسی. جامعه الکویت.
- عوفی، محمد (۱۹۰۶ م). لباب الالباب. تصحیح ادوارد براون. به اهتمام محمد بن عبدالوهاب قزوینی. لیدن: بریل.
- غرناطی، ابوحامد محمد (۱۴۲۴ ق / ۲۰۰۳ م). رحله الغرناطی: تحفه الالباب و تحبه الاعجاب و رحله الی اروپه و آسیا. ابوظبی. بیروت: دارالسویدی مؤسسه العربیه.
- غفوروف، باباجان (۱۳۸۲ ش). تاجیکان (تاریخ قدیم، قرون وسطی و دوره نوین). کابل: شرکت کتاب شاه محمد.
- فرای، ریچارد نلسون (۱۳۶۸ ش). بخارا دستاورد قرون وسطی. ترجمه محمود محمودی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- فرای، ریچارد نلسون (۱۳۶۳ ش). عصر زرین فرهنگ ایران. ترجمه مسعود رجب‌نیا. چاپ دوم، تهران: سروش.
- فروزانی، سیدابوالقاسم (۱۳۸۱ ش). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان. تهران: سمت.
- قاضی رشید بن زبیر (۱۹۸۴ م). کتاب الذخائر و التحف. تصحیح محمد حمیدالله. طبعه الثانيه، کویت: مطبعه حکومت الکویت.
- قدمه ابن جعفر، ابوالفرج (۱۳۷۰ ش). کتاب الخراج. ترجمه و تحقیق حسین قره‌چانلو. تهران: البرز.
- قرقوئی، حنان (۱۴۲۷ ق / ۲۰۰۶ م). الزراعه و الصناعه و التجاره. بیروت: مجد المؤسسة الجامعیه للدراسات و النشر و التوزیع.

- قزوینی، زکریا محمد بن محمود (۱۳۷۳ ش). آثارالبلاد و اخبارالعباد. ترجمه ی جهانگیر میرزا قاجار. تصحیح میرهاشم محدث. تهران: امیرکبیر.
- کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ (۱۳۷۹ ش). تاریخ‌نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کریمی، اصغر (۱۳۷۵ ش). حمل و نقل. دانشنامه جهان اسلام. جلد ۱۴. تهران: بنیاد دائره المعارف اسلامی.
- کسایی مروزی (۱۳۷۰ ش). اشعار حکیم کسائی مروزی. به اهتمام دکتر مهدی درخشان. تهران: دانشگاه تهران.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود (۱۳۶۳ ش). تاریخ گردیزی (زین الاخبار. تصحیح عبدالحی حبیبی. تهران: دنیای کتاب.
- گروسه، رنه (۱۳۶۸ ش). امپراتوری صحرانوردان. ترجمه عبدالحسین میکده. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- گلجان، مهدی (۱۳۸۴ ش). میراث مشترک: نظری اجمالی بر حوزه فرهنگ و تمدن ایران و ماوراءالنهر از کوروش تا تیمور. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- لسترنج، گی (۱۳۷۳ ش). جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی. ترجمه محمد عرفان، چاپ چهارم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- متز، آدام (۱۳۶۴ ش). تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری. ترجمه غلامرضا ذکاوتی قراگزلو. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱ ش). احسن التقاسیم فی معرفه ی الاقالیم. ترجمه علی‌تقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- ناجی، محمد رضا (۱۳۸۶ ش). فرهنگ و تمدن در قلمرو سامانیان. تهران: امیرکبیر.
- نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر (۱۳۶۳ ش). تاریخ بخارا. ترجمه ی ابونصر احمد بن محمد بن نصر القباوی. تصحیح سیدمحمدتقی مدرس رضوی. چاپ دوم. تهران: توس.
- نظامی عروضی سمرقندی (۱۳۸۷ ش). احمد بن عمر بن علی. کلیات چهار مقاله. تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی. چاپ دوم. تهران: اشراقی.
- نظرف، حق‌نظر (۱۳۸۷ ش). نقش ایرانیان و تاجیکان در تاریخ و فرهنگ جهان. ترجمه مهین السادات صمدی. تهران: وزارت خارجه.

نعمت‌اف، نعمان (۱۳۸۲). کشاورزی و تولیدات معدنی در ماوراءالنهر در قرون ۴-۳ هـ/ ۱۰-۹ م. دوماهنامه اطلاع رسانی و کتابداری؛ کتاب ماه علوم و فنون، شماره ۶۱، (۵۳-۴۶).
 هاید، ف (۱۹۸۵ م). تاریخ التجاره ی فی الشرق الادنی فی العصور الوسطی. ترجمه احمد محمدرضا. قاهره: الهیئه ی المصریه العامه للکتاب.
 هروی، جواد (۱۳۸۲ ش). تاریخ سامانیان (عصر طلایی ایران بعد از اسلام). چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۸۱ ش). البلدان. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران.
 یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۲۵۳۶ پ). تاریخ یعقوبی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
 N.N.Negmatov, (1999). «The Samanid State», *History of Civilization of Sentral Asia, V 5, Dehli.*
 Kovalev. Roman K. (2002) *Dirham Mint Output of Samanid Samarghand and its Connection to the Beginnings of Trade With Northern Europe(10 th century). Histoire and Mesure.*
 Brook. Kevin Alan. (2006). *The Jews of Khazaria. United State of America. Row man.*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

Foreign Trade of Transoxiana in the Samanids Era

Habib Zamani Mahjoub¹

Assistant Professor of the History and Civilization of Islamic,

Imam Sadiq Research Institute for Islamic Sciences

GhanbarAli Roodgar

